

## باید عمیق اندیشید

از آنجاکه ادبیات واژه‌ئی بدون تفسیربسیط، درک مسایل را مغلق و پیچیده تر ساخته افکار ما را با نظریات متفاوت و متضاد در باره پدیده‌ها مشبوع ساخته است. لذا گاهی نظریات مانرا در مورد اوضاع داخلی کشور، و مثال مانرا از درون جامعه اروپا و امریکا بیان میکنیم، وگاهی هم وقتی بحث جوء مسلط و اوضاع جاری پیش می آید، راهکارها، به فورمولیته سازی های صدها سال قبل رجعت داده میشود.

به نسبت همین اشباع نظریات متفاوت و متضاد است که گاهی اقتدار دولت را، جامعه فارغ از ستم دانسته و گاهی هم



زندگی در تعمیر سمنتی را رفاه، و پرداخت ماهوار آن، قرارداد رضامندانه دو طرف دانسته میشود. حالا این تاثیر پذیری تا آنجا در ذهن ما رسوب کرده است که گاهی احزاب را مشکل آفرین دانسته و تشویق مینمایم که احزاب منافع شانرا کنار بگذارند و ملی فکر بکنند

در همه این موارد در محدوده کشور خود مان، به کار بست واژه‌ها توجه میشود تا کار کرد واژه‌ها. مثلاً با یک نظر ساده وقتی برای تغییر، در حالت زندگی یک

خیمه نشین پائین بلند منزل در یکی از خانه‌های دهلیز یکی از بلند منزل‌ها و یا مشابه آن راهکاری مطرح میشود این خودش از یک طرف تعریف وضعیت اجتماعی و از طرف دیگر تعریف ماهیت مبارزه است

حالا دیگر همه میدانند که در اروپا و امریکا (جوامع ستم سالار (مردم چادر نشین وجود ندارد هرچند که، مردمی وجود دارد که همان چادر را هم ندارند. اما از منظر اینکه در این جوامع خلاقیت فکر انسانی تنعم معیشت را خلق نموده است که یک اقلیت مفت خوار از آن معیشت استفاده کامل میبرند، نوعیت ستم فرق میکند، که بحث مشابه با جامعه عقب نگهداشته شده ما نیست و نمیتوان رفاه رادر این جوامع درحالی تعریف نمود که فکر انسان خالق دست آورد های شگرفی است. پس برای من پرداخت کرایه خانه رهائشی من یک قرارداد رضایتمندانه نی بلکه جبر و تمندانه است، به این معنی که اگر این قرارداد نی پس کدام زمینه دیگر؟ شانس دیگر وجود ندارد جز بی چادر نشینی که آنان را «هوم لیز» میگویند. همینگونه تمام ضروریات اولیه انسانها در این جوامع از این جبر مستثنا نیست. اینها همه جبری اند که هر روز در زندگی روزمره در این جوامع احساس میشوند. پس این رفاه نیست. لذا در این جامعه

پیشرفته برای من پرداخت و یا تادیه پولی که نسخه ادویه متحدالمال را داکتر باید تمدید نمایند یک جبر (اقتصادی است و در وضع درآمد و یا مزد کاری من حتی ستم مضاعف است، که نه تنها پول مزد کارم را بی هیچ دلیل به کسی

دیگر میدهم از حیث روانی آرامش مرا هم برهم میزند

تعریف رفاه را تا آنجا که مقبولیت و معقولیت دارد با آن چنین برخوردیم که: رفاه توانایی یک فرد گروه یا ملت برای فراهم آوردن خوشبختی که آدم به اساس تعاریف خوب زندگی کردن، خوب زندگی کند. رفاه آرامشی است که کمک میکند جایی در دل و دماغ آدم باز شود که به اساس آن به الویت های مدنظر اش به یک زندگی سالم و معنوی دست یابد و دیگر هر روز نگران آنچه که برای حیاتشان الزامیست نباشند

خوب زندگی کردن به هیچ صورت زندگی خیالی نیست اما این ستمگران جهان اند که برای محقق شدن آن موانع ایجاد میکنند. اگر ستمگران جهان برای حفظ منافع شان به قیمت بربادی انسانهای که آنان این موجودات انسانی را موجودات مصرفی میخوانند دیگر به سر نوشت جهان حکم نرانند، خوب زندگی کردن به ساده گی میسر است

م ی هادی

1

«گفته میشود دولت کانادا سالانه ملیونها تن گندم را برای حفظ بلانس اقتصادی ( که همان چند نفر اقتصاد سالار است ) در ابحار فرو میرزد در حالیکه ده ها ملیون گرسنه در جهان وجود دارد «چنین برخورد های حفظ بلانس اقتصادی در بخش های مختلف بازار های انحصاری دیده میشود

**رفقا، دوستان عزیز تارنمای **وطندار** ! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکس سایت بفرستید**



[admin@vatandar.at](mailto:admin@vatandar.at)

**مدیر مسوول: دپلوم انجنیر عمر محسن زاده**

**صاحب امتیاز: انجنیر نجیب یوسفی**

**کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد**

**بقیه گزیده های مقالات**

<http://www.vatandar.at/yaqubhadi.html>